

و- هرگاه در آخر افعال متعدد در آید حذف «م» های بعدی چون بقرینه اولی معلوم است مجاز است مانند :

مصراع : الفصه بازگشتم و آمد بخانه زود ، یعنی باز گشتم و زود بخانه آمدم ، این حذف فقط بضرورت شعری جائز است و در محاورات معمول نیست .

۴- ند « ن . د »

الف - در آخر اسامی حالت اسنادی دارند یعنی جای مسند « هستند » را میگیرند مانند مردند ، زنند ، یعنی مرد هستند ، زن هستند .

ب - در آخر صفات مثل بالا مانند توانگرند ، نا دارند و نیز حالت اسنادی دارد و خودبتهائی جانشین خبر میشود و صفتی که « ند » بآن پیوسته جای مبتدا را میگیرد چنانکه در مصراع اول این بیت که از سعدی است :

شوخی مکن ایدوست که صاحب نظرانند بیگانه و خویش از بس و پیشتر نکرانند خواننده با هوش از بیت بالا میتواند دریابد که جمله « شوخی مکن ایدوست » مستقل است ، بنا براین باید گفت که بوسیله « که » موصول بجملة « صاحب نظرانند » وصل شده و ظاهراً بنظر میآید که « صاحب نظرانند » مبتدا است و خبر آن ذکر خواهد شد ولی پس از تأمل معلوم میشود « صاحب نظرانند » جمله مستقلی است که خود دارای مبتدای جداگانه « صاحب نظران » و خبر جداگانه « ند » بجای « هستند » می باشد ، زیرا معنی شعر اینست : *شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

ایدوست شوخی نکن زیرا که صاحب نظران هستند و حضور دارند . در مصراع دوم بیت بالا کلمه « نکرانند » جانشین جمله خبری « نکران هستند » می باشد و مبتدای آن واژه های « بیگانه و خویش » در صدر مصراع ذکر شده است پس فرق صاحب نظرانند با نکرانند در بیت بالا معلوم شد که صاحب نظرانند خود جانشین جمله می است که دارای مبتدا و خبر است ولی نکرانند جانشین جمله خبری است که مبتدای آن در صدر مصراع ذکر شده است (۱)

ج - در آخر افعال حالت فاعلی دارد یعنی ضمیر متصل با ( سوم شخص جمع ) است مانند : آمدند و رفتند .

(۱) دقت لطفی است (ح-ق)

۵- ی . د : در آخر اسماء و افعال همان احوال را داراست .

۶- یم . ی . م : مانند 'ند' و 'ید' در آخر اسماء حالت اسنادی و در

آخر افعال حالت فاعلی دارد . مانند : مردیم ، دانشمندیم ، رفتیم .

تبصره - هرگاه ضمائر ششگانه مذکور در بالا را بواژه هائی که آخرش 'هـ' ،

غیر ملفوظ باشد ملحق کنند برای اینکه حرکت حرف ما قبل 'هـ' نشان داده شود

بین 'هـ' و ضمائر همزه مفتوح آورند مانند : جامه ام جامه ات جامه اش در

اسامی و همچنین : گفته ام ، گفته ای ، گفته است ، گفته ایم ، گفته اید ، گفته اند

در افعال .

ولی در 'هـ' ملفوظ ، دیگر اضافه این همزه مفتوح لازم نیست چنانکه گوئیم

دهم (بمعنی قریه) ، دعت ، دهش ، دهمان ، دهتان ، دهشان .

توضیح : هرگاه خواهند ضمیر 'م' یا 'ت' یا 'ش' را جمع کنند اضافه

کردن الف مفتوحه لازم نیست فقط حرف جمع 'ان' بر آخر ضمائر اضافه میشود

مانند : نامه مان ، جامه تان ، خامه شان ، در حرف مختوم به 'هـ' و مانند

اسبم ، قلمت ، کاغذش در واژه های غیر مختوم به 'هـ' زیرا چنانکه گفتیم 'هـ' غیر

ملفوظ اساساً حرف نیست بلکه حرکت کشیده ای است که بصورت حرف 'هـ' نوشته

میشود پس هنگامیکه بواژه های مختوم بهای غیر ملفوظ ضماء متصل جمع می

پیوندد در نوشتن همان حرکت کشیده بصورت 'هـ' ابقاء خواهد شد و در گفتن نیز همان

حرکت کشیده تلفظ میشود پیدا است که تلفظ جامه مان با جاممان و خامه شان با خامشان

فرق فاحشی دارد پس در نوشتن نیز باهم باید متفاوت باشند .

### فصل پنجم

### حرف اصل و وصل

قاعده : در لغت عربی چون بسیط ترین هیئات ، مصدر است آنرا ماده اشتقاق

قرار میدهند ولی در فارسی بسیط ترین هیئات ، فعل امر است که مبداء اشتقاق صیغ

افعال فارسی و کلمات مرکب قرار داده میشود .

امتیاز لغت فارسی بر سایر لغات زنده دنیا است که قابلیت ترکیب بسیار

دارد .